

راهکار اسلامی کردن دانشگاه

حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی

منظور از «علوم اسلامی» چیست؟ «اسلامی کردن دانشگاه» چه معنا و مفهومی دارد؟ آیا می توان علوم را به «اسلامی» و «غیر اسلامی» دسته بندی کرد؟ متن زیر نقطه نظرات آیت الله عبدالله جوادی آملی را در باره موارد یاد شده می نمایاند. این گفتار در ۲۷ دی ۱۳۸۵ ایراد شده است.

شناسی را طرح می کند. استصحاب که الآن جزء علوم رسمی حوزه است، به یک جمله وابسته است؛ لاتنقض الیقین بالشک^(۱). این خلق السماوات و الأرض فی ستة ايام^(۲). ثم استوی الی السماء و هی دخان^(۳)؛ اول مواد گازی بود، بعد چنین کردیم، بعد چنان کردیم؛ این که دهها برابر استصحاب است؛ آنوقت آیا استصحاب می شود علم اسلامی، فیزیک می شود غیراسلامی؟! آنها آمدند، این کار را کردند. فرض کنید یک هواپیمایی؛ بال نداشته باشد، قدرت پرواز ندارد! بالهای آن را کردند، لاشه هواپیما را دادند و گفتند: شما روی این هواپیمایی شناسی کنید. اما با لاشه هواپیما که کسی پرواز نمی کند! لاشه فیزیک در آموزش و پرورش و دانشگاه هست؛ یعنی بال هو الاول را کردند، بال هو الآخر را کردند؛ کی کرد، برای چه کرد را گرفتند؛ در زمین شناسی، در دریاشناسی، در نفت شناسی، در گازشناسی، همان سیر افقی مطرح است. میگویند: طبق تحقیقات علمی، فلان زمین، یا فلان معدن، یا فلان مایع در چند میلیون، یا چند میلیارد سال قبل چنین بوده است و الآن چنین است و پیش بینی می شود در آینده نزدیک یا دور چنین بشود. این مرده علم و لاشه علم است؛ این فیزیک اسلامی تربیت نمی کند. در چنین علمی، کی کرد، برای چه کرد؛ اصلاً مطرح نیست! قرآن کریم وقتی بیان می کند که ذات اقدس اله کوهها را خلق کرد؛ معادن و راه شیری را خلق کرد، می گوید: هو الذی کذا و کذا و کذا، بعد می فرماید: لعلکم تتفکرون^(۴)، لعلکم تتقون^(۵)، لعلکم تعقلون^(۶)، لعلکم تفلحون^(۷)؛ یعنی کی کرد، برای چه کرد در آن صورت ما اصلاً فیزیک غیراسلامی نداریم! آنگاه یک فیزیسیست و معدن شناس می آید، بررسی می کند که خدای سبحان این کوه را اینچنین کرد، در راه تدبیرش هم اینچنین است، برای فلان مقصد. این می شود کوه شناس، معدن شناس، باستان شناس و دریاشناس اسلامی!

نکته اصلی اسلامی شدن

دانشگاه ها و آموزش و پرورش

اما اینها این علوم را تکه تکه کردند، می گویند: علم که اسلامی و غیراسلامی ندارد!! خیر؛ اصلاً علم غیراسلامی ما نداریم! نکته اصلی آموزش و پرورش این است، مشکل اصلی دانشگاهها این است. اینها خیال کردند وقتی امام، یا مقام معظم رهبری (حفظه الله) فرمودند: دانشگاه باید اسلامی باشد، یعنی که دخترها و پسرها از هم باید جدا باشند؛ بله، جدا بشوند، کار

ما باید از اول بدانیم که آیا می خواهیم مسلمان تربیت کنیم، یا می خواهیم علوم ما اسلامی باشد! در هفته پژوهش، آموزش و پرورش باید این را در برنامه قرار بدهد که من چه کار می خواهم بکنم. من می خواهم چند میلیون مسلمان تربیت کنم، یا چند میلیون کتاب اسلامی بدهم! این توضیح می خواهد؛ تربیت کردن مسلمان، کار خوبی است، باید هم باشد، وظیفه ما هم هست. یعنی نمازخانه داشته باشیم، رعایت بکنیم که پسر و دختر مخلوط هم نباشند، فرصت های مناسبی باشد برای دعا؛ دعای توسل، دعای کمیل، اینها باشد؛ آداب عبادات شان را ارزیابی بکنیم. همه اینها خوب و لازم است، ولی کافی نیست؛ برای اینکه اینها برای پرورش نوجوان یا جوان مسلمان است، اما کار وزارت آموزش و پرورش اینها نیست. کار وزارت آموزش و پرورش تدوین دروس اسلامی است؛ این، مهمترین کار است. آموزش و پرورش تا دروسش اسلامی نشود، آموزش و پرورش اسلامی نخواهد شد.

عدم وجود علم سکولار و اسلامی بودن تمامی دانشها

برای اینکه این ریاضی می خواند، سخن از خدا و پیغمبر نیست؛ فیزیک و شیمی و ادبیات غیر [عربی] می خواند، سخن از خدا و پیغمبر نیست؛ تاریخ و جغرافیا می خواند، سخن از خدا و پیغمبر نیست. در حالی که ما اصلاً علم غیراسلامی نداریم! این مساله یک یا چند همایش می خواهد تا روشن بشود که ما اصلاً علم سکولار نداریم، علم غیراسلامی نداریم، فیزیک و شیمی غیراسلامی نداریم؛ لا و لابد فیزیکی و شیمی و ریاضی، اسلامی است و مانند آن. بعد از اینکه در همایش ها و پژوهش ها این برای ما ثابت شد که ممکن است عالم ما سکولار باشد، ولی علم سکولار نداریم؛ این می آید به کتابهای درسی.

وجود لاشه بسیاری از علوم در سطح آموزش و پرورش

توضیح مطلب اینکه ما به چه دلیل می گوییم که تفسیر، علم اسلامی است و در این تردید نداریم؟ برای اینکه این کتاب را خدا نازل کرد، حرف خداست؛ حرف خدا را انسان وقتی تشریح می کند، می شود (علم اسلامی). حالا این کتاب هستی را کی نوشت؟ آسمان را کی خلق کرد؟ دریا را کی خلق کرد؟ صحرا را کی خلق کرد؟ معادن را کی خلق کرد؟ راه شیری را کی خلق کرد؟ سیاره و ستاره را کی خلق کرد؟ این کتاب خداست! یک مفسر می گوید: خدا چنین گفته است، یک فیزیکدان می گوید: خدا چنین کرده است. این لاشه علم در آموزش و پرورش است و قرآن همین فیزیک را طرح می کند، همین شیمی و کوه



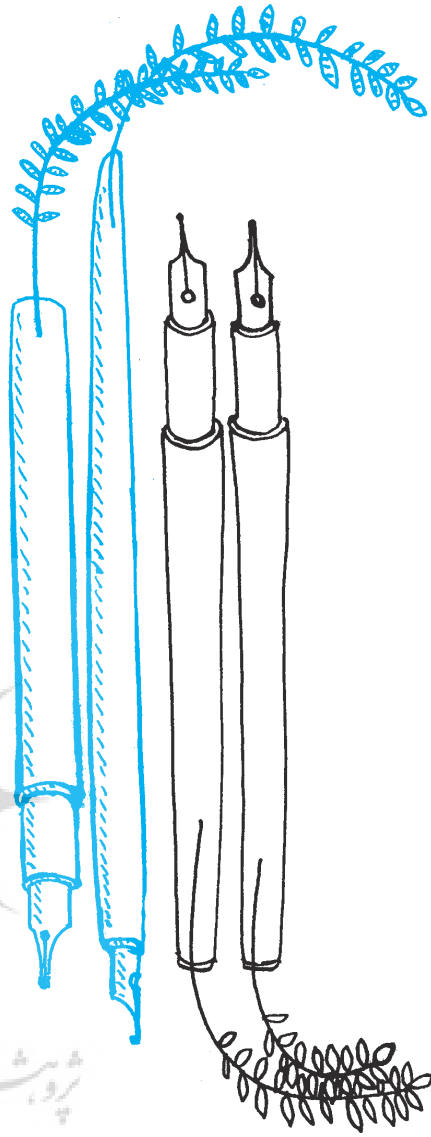
این مساله یک یا چند همایش می خواهد تا روشن بشود که ما اصلاً علم سکولار نداریم، علم غیراسلامی نداریم، الا و لابد فیزیکی و شیمی و ریاضی، اسلامی است و مانند آن. بعد از اینکه در همایش ها و پژوهش ها این برای ما ثابت شد که ممکن است عالم ما سکولار باشد، ولی علم سکولار نداریم؛ این می آید به کتابهای درسی.

تدریس «کرامت» از سوی خدای سبحان برای بندگان

اما وقتی نظام، نظام باشد؛ آنوقت قهراً چون سخن از خدا و پیغمبر است، در همه موارد اینها (کریم) بار می آیند. خدای سبحان ما را به کرامت تربیت کرده. مثلاً اگر گفتند: فلان جا مهندس دارد درس می گوید، یعنی چه؟ یعنی درس هندسه می گوید. بگویند: فلان جا فلان طبیب دارد درس می گوید، یعنی چه؟ یعنی دارد طب درس می گوید. در فلان کلاس ادیب دارد درس می گوید، یعنی ادبیات. در فلان کلاس مورخ دارد درس می گوید، یعنی درس تاریخ. اگر گفتند: اقرأ و ربک الأکرم، اکرم دارد درس می گوید؛ یعنی می خواهد درس کرامت بدهد. اولین سوره ای که بر وجود مبارک پیغمبر (ص) نازل شد، سوره علق است: اقرأ و ربک الأکرم. الذی علم بالقلم^(۸)؛ خدای اکرم دارد درس می گوید؛ یعنی دارد درس کرامت می دهد. وقتی گفتند: اکرم درس می گوید، یعنی چه؟ یعنی کرامت است! آموزش و پرورش باید اقرأ و ربک الأکرم باشد، درس کرامت بدهد. بعد این آقا که آمد بالا، کارمند شد؛ اصلاً بدش بیاید که دستش به رانت خواری باز بشود.

واقعیت متعفن، مسموم و آبروبر «گناه»

وجود مبارک پیغمبر (ص) فرمود: بوی بد گناه رسوایتان می کند. گناه، بد بوست و این تشبیه و مجاز شعری هم نیست. یک زمانی آدم را رسوا می کند و بویش درمی آید. اگر این نوجوان باورش شد که گناه سم است و آدم را بی آبرو می کند، از خود مواظبت خواهد کرد. شما دیدید در همین دوره که دوره الهی و اسلامی است- دوره غیراسلامی را خدا گذاشته برای آخرت- دوره اسلامی اگر کسی خدا ناکرده بازی بکند؛ چه آنهایی که در این لباس [لباس روحانیت] بودند، چه آنهایی که در لباس دیگر بودند، دیدید طشتشان از بام ها افتاد! نمی شود با خون شهداء بازی کرد، با دین بازی کرد، با مردم مسلمان بازی کرد؛ این بویش در می آید! وقتی بخواید بویش در بیاید، هیچ کس دیگر نمی تواند درمان بکند!! وقتی که خدای سبحان فرمود: خزی فی الحیاه الدنیا^(۹)؛ تجربه هم کردیم و دیدیم کسانی که در اوج شخصیت بودند، چه جور مفتضح شدند! اینها را نوجوان هایمان باید بدانند، هر کسی آبروی خودش را می خواهد! خلاف طوری نیست که مثلاً آدم، بتواند لجن را تکه دارد؛ بالأخره آدم دو بار خودش را بیچد، بار سوم باد می زند و بویش در می آید! وجود مبارک حضرت فرمود: تعطروا بالاستغفار لاتفضحکم رویح الذنوب^(۱۰). فرمود: خودتان را با استغفار معطر کنید، مبادا بوی بد گناه، آبرویتان را ببرد! آنوقت این امور که وارد آموزش و پرورش بشود، آموزش و پرورش همان می شود که شما می خواهید.



خوبی هم هست؛ باید نمازخانه داشته باشند و کار خوبی است؛ اما این اسلامی شدن دانشگاه نیست، این مسلمان تربیت کردن است. بله، البته آدم نمازخانه داشته باشد، نماز جماعت داشته باشد؛ چه بهتر! اما صبح تا غروب، شب و روز این با خدا و پیغمبر سر و کار دارد، این خودش از همه اینها جلو می زند! الان مرده علوم در آموزش و پرورش هست.

در کنار این علومی که حرف روز را می زند اما هیچ سخن از خدا و پیغمبر در آن نیست؛ شما اگر ۴ آیه یا ۴ تا معارف اسلامی به دانش آموزان درس بدهید، این کم اثر خواهد بود. شما به لطف الهی همه تان احساس می کنید نظام، رهبر و غالب مسؤولین الحمدلله رب العالمین در چه مسیری هستند، حال ۴ نفر ممکن است در کل نظام جور دیگر فکر بکنند، این در زمان انبیاء (علیهم السلام) هم بود، در زمان معصومین هم بود. اینطور نیست که شما دلتان بخواید مثل بهشت بشود و صددرصد هیچ کس خلاف نکند؛ آنجایی که همه صالح باشند، فقط بهشت است!

ما باید از اول بدانیم
که آیا می خواهیم
مسلمان تربیت کنیم،
یا می خواهیم علوم
ما اسلامی باشد!...
خیال کردند وقتی
امام، یا مقام معظم
رهبری (حفظه الله)
فرمودند: دانشگاه باید
اسلامی باشد، یعنی
که دخترها و پسرها
از هم باید جدا باشند؛
بله، جدا بشوند، کار
خوبی هم هست؛ باید
نمازخانه داشته باشند و
کار خوبی است؛ اما این
اسلامی شدن دانشگاه
نیست، این مسلمان
تربیت کردن است.

۱- وسائل الشیعه/ ۴/ ۳۱۲.

۲- اعراف/ ۵۴.

۳- فصلت/ ۱۱.

۴- بقره/ ۲۱۹.

۵- بقره/ ۲۱.

۶- بقره/ ۷۳.

۷- بقره/ ۱۸۹.

۸- علق/ ۳ و ۴.

۹- بقره/ ۸۵.

۱۰- الامالی طوسی/ ۳۷۲- (روی عن امیرالمؤمنین^(ع))